

## اقلیت‌های اسلامی و چالش‌های فرهنگی

دکتر عبدالستار ابراهیم الهیتی\*

### چکیده:

شمار اقلیت‌های مسلمان در جهان در سال‌های اخیر به خصوص در اروپا بسیار چشم‌گیر بوده است، اما این مسلمانان ساکن در کشورهای غیر اسلامی، با چالش‌ها و مشکلات فراوانی از قبیل اقامت، کار، آموزش و پرورش اسلامی و محافظت از هویت اسلامی خود و فرزندان‌شان روبه‌رو هستند و این مشکلات پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ شدت بیشتری گرفته است. نگارنده در این مقاله ابتدا تعریفی از اقلیت‌های اسلامی ارائه می‌دهد و پس از آن به بررسی مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی اقلیت‌های اسلامی پرداخته و در بخش آخر، پیشنهادها، راه‌حل‌ها و درمان‌ها را بیان می‌نماید و در خاتمه نیز، وحدت مردم مسلمان و کنار گذاشتن اختلاف‌های مذهبی را یکی از مهم‌ترین فریضه‌ها به شمار می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: اقلیت‌های اسلامی، چالش‌های فرهنگی، هویت اسلامی، اختلاف‌های مذهبی، راه‌حل و درمان.

امروزه شمار اقلیت‌های اسلامی در جهان فزونی یافته و به ویژه این فزونی در سال‌های اخیر در اروپا چشم‌گیر بوده است. این اقلیت‌ها به خاطر این که از اقوام گوناگون و متعدد و احتمالاً بخش زیادی از آنها از کشورهای اسلامی هستند، وجه تمایزی با دیگر اقلیت‌ها دارند. علاوه بر آن، شمار قابل توجهی از مسلمانان نیز از کشورهای اروپایی می‌باشند که با تمایل صادقانه‌ای به دین مسیحی اسلام گرویده‌اند. این جنبه‌ها به اقلیت مسلمان توان داده است تا نقش مؤثری در جهت تحقق منافع مسلمانان در جهان ایفا نمایند. اما با وجود این تمایزها که مسلمانان را در اروپا از دیگر اقلیت‌ها متمایز می‌نماید، این اقلیت با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو می‌باشد؛ از جمله چالش‌های مربوط به

\* استاد دانشگاه بحرین، قسم الدراسات الإسلامية.

اقامت و کار آنها و دشواری‌های مربوط به فراهم آوردن آموزش و پرورش اسلامی برای فرزندان خود و محافظت از هویت اسلامیشان در میان این جوامع که بی‌بندوباری جنسی و انحرافات اخلاقی را ترویج می‌نمایند. این چالش‌ها به علاوه فشارهای وارد آمده بر بعضی از اقلیت‌های مسلمان، به خاطر هویت و فرهنگ آنها می‌باشد.

اقلیت‌های اسلامی در غرب، به طور اعم و در ایالات متحده آمریکا به خصوص در پی رویدادهای یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱م، در معرض تهاجم بی‌رحمانه و بی‌سابقه‌ای قرار گرفته‌اند. این وضعیت با توجه به مطالعه سریع گزارش‌های ارایه شده پیرامون اوضاع این اقلیت‌ها تصویری کلی از مشکلات و دشواری‌های اقلیت‌های مسلمان در غرب، ارایه می‌دهد.

به رغم اقدامات مثبت و مهم برخی کشورهای اروپایی برای به رسمیت شناختن اسلام و نیز اعطای حقوق مدنی به مسلمانان در برخی کشورها، ولی موانع و تنگناهای زیادی همچنان در پیش روی مسلمانان وجود دارد و نسبت به برخی مظاهر اسلامی - برای مثال، حجاب که آن را سمبل تعصب و تحجر فکری مسلمانان می‌دانند - مشکلاتی به وجود آورده‌اند و در برخی از این کشورها به دانش‌آموزان با حجاب اجازه ورود به مدارس خود را به بهانه محافظت از اصول لائیک نمی‌دهند و به عنوان یک واکنش نسبت به این‌گونه برخوردها، تصویر غرب از نظر یک شخص مسلمان غالباً به خاطر عدم مطابقت مفهوم با واقعیت، همراه با ناکامی و شکست بوده است.

از سوی دیگر [به دفعات] به قرآن کریم و شخص رسول اکرم ﷺ و آموزه‌های اسلامی اهانت شده است، در حالی که مسلمانان کشورهای اروپایی در برخورد با آن فشار شدید، از خود پایداری و شکیبایی و خویشتن‌داری نشان داده‌اند، زیرا آنها این اقدامات را تجاوز به موجودیت خود و محروم‌شدن از ساده‌ترین حقوق خویش در آزادی و زندگی می‌دانند. آنها در واکنش به این‌گونه برخوردها هر چه بیشتر به پایداری و محافظت از تمایز ناشی از دین و فرهنگ خود ادامه داده‌اند که این موضوع سرانجام باعث ایجاد حالتی از ناآرامی مستمر و نگرانی میان طرفین گردیده است. این مسئله مستلزم [یک سری اقدامات] آموزشی و فرهنگی و بسیج نمودن امکانات خود برای حمایت از اقلیت‌های مسلمان و تلاش در جهت نشر اسلام و ارایه برنامه‌های فرهنگی و تربیتی آن می‌باشد.

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که امروزه اقلیت‌های اسلامی در غرب با آن روبه‌رو هستند، چالش‌های فرهنگی مربوط به عقاید مسلمانان و ترس آنها از ذوب شدن در بافت داخلی آن کشورها و یا فقدان هویت عربی و اسلامی این مهاجران است.

ما در این مقاله تلاش خواهیم کرد مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی که اقلیت‌های اسلامی را تهدید می‌کند شناسایی کنیم و پس از آن پیشنهادها و روش‌هایی جهت ایستادگی در برابر این چالش‌ها ارائه دهیم. از این رو این مقاله در سه محور زیر ارائه گردیده است:

۱- تعریف اقلیت‌های اسلامی؛

۲- بازتاب چالش‌های فرهنگی اقلیت‌های اسلامی؛

۳- پیشنهادها و راه‌حل‌ها.

### محور نخست: تعریف اقلیت‌های اسلامی

اقلیت‌های اسلامی در کشورهای گوناگون جهان نسبت قابل توجهی از مسلمانان را تشکیل می‌دهند. از این رو آنها بخشی از این امت را تشکیل می‌دهند و خود را ناچار می‌بینند که با جامعه‌هایی تعامل داشته باشند که از نظر عقیده و تمدن و اندیشه با آنها متفاوت‌اند و در رفتار و کردار به گونه‌ای دیگر [ عمل می‌نمایند].

در این جا لازم است به مجموعه‌ای از واقعیت‌ها که همراه با پدیده اقلیت‌های اسلامی در زمان معاصر می‌باشد، اشاره نماییم که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- علت اساسی پیدایش پدیده اقلیت‌های اسلامی ارتباط تنگاتنگی با مهاجرت اتباع کشورهای اسلامی به دیگر کشورهای جهان و به ویژه به اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا دارد. مسلمانان مهاجر به این کشورها حامل فرهنگ و تمدن و رفتارها و سنت‌های خود بوده و خود را در میان جوامعی می‌بینند که دین، زبان، فرهنگ و روش زندگی ویژه خود را دارند که با آنچه در کشورهای اصلی خود وجود داشته، متفاوت می‌باشد.

۲- نخستین گروه‌های مهاجران مسلمان به این کشورها را غالباً افراد معمولی تشکیل می‌دهند که به دنبال کسب درآمد برای امرار معاش خود بوده‌اند و انگیزه عمده آنها از این مهاجرت در ابتدا همین بوده است. این موضوع باعث می‌شود که اغلب آن گروه‌ها در جامعه‌های جدیدی که وارد آن می‌شدند، ذوب شوند. ولی با مرور زمان و در اثر تحولات نوین بین‌المللی در کیفیت مهاجران از کشورهای اسلامی به غرب تحولی به وجود آمد و این بار گروه‌های مسلمان تحصیل کرده و افراد روشن فکر و دارندگان تخصص‌های فرهنگی و علمی و مهارت‌های شغلی عازم این کشورها شدند، که این مسئله باعث پیدایش اوضاع تازه و ظهور مشکلات گوناگون گردید و مسلمانان مهاجر پی‌آمد آن را احساس کردند و در صدد ایجاد راه‌حل‌هایی برای آن برآمدند تا از این طریق بتوانند میان هویت

و فرهنگ خود و محیط اجتماعی و فرهنگی و فضای عمومی که خود را در میان آن می‌دیدند، سازگاری ایجاد نمایند.

۳- منتشر شدن آیین اسلام در کشورهای غیر اسلامی و اقبال پیروان دیگر ادیان به گرویدن به این آیین در پی رسیدن گروه‌های مهاجر مسلمان به این کشورها، یکی دیگر از عوامل بروز پدیده اقلیت‌های اسلامی و افزایش جمعیت آنان است. این مسئله یک بار دیگر نیاز به ایجاد برنامه تازه‌ای را برای حل مشکل اوضاع مسلمانان نورسیده و مشخص نمودن رابطه آنها با وضعیت جامعه‌هایی که در آن پرورش یافته‌اند، مطرح کرده است.

با توجه به آن چه گذشت، روشن می‌شود که اقلیت‌های اسلامی شامل یکی از گروه‌های زیر می‌باشند: (تویجری، ۱۹۹۸م، ص ۱۳۹).

۱- مسلمانانی که از نظر تبار و ملت، از کشورهای غیر اسلامی هستند؛ مانند مسلمانان هند و چین و فیلیپین که در کشورهای اصلی خود بخش تفکیک ناپذیری از ملت خود بوده و نظیر دیگر اتباع کشورشان دارای حقوق و وظایفی هستند.

۲- مسلمانان مقیم در کشورهای غیر اسلامی. این‌گونه مسلمانان تابع مقررات و قانون محلی آن کشورها هستند؛ نظیر مسلمانان کشورهای عربی و اسلامی که به دیگر کشورهای جهان مهاجرت کرده‌اند.

به هر حال، این مسلمانان که در دیگر کشورها، اقلیتی را تشکیل می‌دهند، نیاز به توجه دارند؛ زیرا بخشی از جنبش بیداری فراگیری را که در سراسر جهان به وجود آمده است، تشکیل می‌دهند، و موجب افزایش مستمر تعداد پیروان آیین و پای‌بندی آنها به احکام و شریعت آن گردیده‌اند.

۳- اقلیت‌های مذهبی دیگری نیز وجود دارند که در جوامعی زندگی می‌کنند که در عقیده با آنها مغایرتی ندارند، ولی مذهب آنها مغایر مذهب آن کشور می‌باشد. هر چند برخی از این اقلیت‌ها نسبت بالایی از جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند و گاهی نسبت آنها به ۳۰ درصد کل جمعیت می‌رسد، ولی با برخی از چالش‌های فرهنگی مربوط به ویژگی مذهب خود روبه‌رو هستند؛ نظیر ممنوعیت بنای مساجد ویژه آنها و ممنوعیت نوشتن و انتشار کتاب‌های مربوط به مذهبشان و اعمال فشار علیه فعالیت‌های تبلیغی و ارشادی آنها، که این مسئله به تجدید نظر در این برخوردها و تصحیح این‌گونه تعامل‌ها نیاز دارد تا یک شخص مسلمان در کشور خود احساس غربت نکند و پیروان مذاهب اسلامی به یک اقلیت در کشورشان تبدیل نشوند.

تعصب مذهبی منفور تا کنون موجب ایجاد اختلاف و چند دستگی میان امت اسلامی شده است و وحدت این امت را به جنگ و جدال تبدیل کرده است. دشمن نیز که در کمین این امت است از این جدایی و هرج و مرج بهره برداری نموده و این امت را زیر سلطه خود در آورده و در صدد خوار کردن و مقهور نمودن آن است. علت اصلی به وجود آمدن این مسئله، نبودن متدلوژی صحیح برای انجام گفت‌وگو میان فرزندان این امت واحده است؛ زیرا گفت‌وگو میان فرقه‌ها و مذاهب اسلامی، چنانچه به شکل شایسته‌ای انجام نگیرد، روش تعصب و شدت در آن نفوذ می‌کند و روحیه تنگ نظری و مخالفت در آن به وجود می‌آید و طرف‌ها به زودی یک‌دیگر را به انحراف در اندیشه و نیت‌ها و شبهه و سوءظن متهم خواهند کرد. بسیاری از کسانی که در بخش بحث‌های فقهی اشتغال دارند، فکر می‌کنند با توجه به تفسیر حرفی متون و جدا کردن آن از سیاق مقصود آن و عدم ربط احکام به علت‌ها و هدف‌های آن، حقیقت نمی‌تواند چند وجه داشته باشد.

لازم است در این‌جا به چند اقلیت اسلامی موجود در بخشی از کشورهای اروپایی و آمریکایی که توانسته‌اند برای خود موجودیت قانونی کسب کنند، اشاره کنیم که پیوستگی این اقلیت‌ها موجب از دست دادن ویژگی فرهنگی آنها نگردیده و فرهنگ آن جوامع نیز اثری بر وضعیت اجتماعی آنها نداشته است. این مسئله موجب گردیده است این اقلیت‌ها بتوانند با گروه‌های اجتماعی گوناگون هم‌زیستی داشته باشند و فرصت تعامل همسان را با شرایط محیطی موجود فراهم نمایند. ولی این موضوع نسبت به اکثریت اقلیت‌های مقیم در کشورهای جهان که هویت فرهنگی آنها به سبب وجود مجموعه‌ای از مشکلات و فشارهای ناشی از اختلاف عقیده و برنامه و اندیشه، در معرض تهدید قرار گرفته است، صدق نمی‌کند. از این رو محافظت از هویت فرهنگی به جمله‌ای از داده‌ها نیاز دارد که شامل این موارد است:

۱- آن اقلیت‌ها به ناچار باید به سلامت عقیده و اندیشه و نیروی تعهد و اخلاق و ارزش‌ها پای‌بند باشند؛ زیرا گروه‌های اسلامی موجود در خارج از جهان اسلام که از نظر عقیده و اخلاق متحد بوده‌اند، تأثیر مثبت بیشتری روی محیطی که در آن زندگی می‌کنند، داشته‌اند، اما چنانچه موجودیت این اقلیت‌ها به خاطر نبودن آگاهی دینی ضعیف شود، در آن صورت آنها از صحنه فعل و انفعال تمدنی عقب نشینی خواهند کرد و توان اثرگذاری بر روی جامعه‌هایی را که در آن زندگی می‌کنند از دست خواهند داد.

۲- اقلیت‌های اسلامی مقیم در کشورهای گوناگون جهان نیازمند توجه به مسایل تربیتی، فرهنگی، اخلاقی و اندیشه‌ای‌شان هستند تا از فشارهایی که وجود معنوی آنها را تهدید و مصونیت

فرهنگی و اخلاقی‌شان را تضعیف می‌کند و آنها را در معرض بی‌راهگی و انحراف از راه صحیح قرار می‌دهد، در امان باشند.

۳- رابطه میان اقلیت‌های اسلامی با جوامع محل زندگی آنها باید بر پایه ارزش‌های اسلامی استوار باشد؛ زیرا ارزش‌های اسلامی موجب خودسازی شخص و جماعت می‌شود و فرد مسلمان را تبدیل به یک عضو فعال و مؤثر در محیط زندگی خود می‌نماید تا نسبت به اندیشه‌ها و مواضع موجود در جامعه خویش از خود عکس‌العمل نشان داده و نسبت به رویدادهای موجود در اطراف خود با بینش، تدبیر و اندیشه روشن برخورد نماید.

اقلیت‌های اسلامی باید در برخورد و تعامل و گفت‌وگو با جوامعی که در آن به سر می‌برند، احساس مسئولیت کنند و با حضوری متمایز در صحنه‌های کار عمومی، تصویری واقعی از یک مسلمان را که ارایه دهنده خیر و فضیلت به جامعه است، نشان دهند و انسان‌هایی گوشه‌گیر و منفی نباشند. ضمن این که مشارکت آنها باید در چارچوب مقررات شرعی باشد، به گونه‌ای که ویژگی اسلامی آنان فراموش نشود و در جریان مادی سیل آسای آن جوامع قرار نگیرند و به این گفته پیامبر اسلام عمل نمایند: «لاتکونوا إمة تقولون ان احسن الناس احسنا و إن ظلموا ظلمنا و لكن وطنوا انفسکم إن احسن الناس احسنوا و إن اساءوا فلا تظلموا؛ «ابن الوقت نباشید و نگویید اگر مردم نیکی کنند، ما هم نیکی می‌کنیم و اگر ستم کردند، ما هم ستم می‌کنیم، بلکه خود را عادت دهید که اگر مردم نیکی کردند، شما هم نیکی کنید و اگر بدی کردند، شما ستم نکنید». (ترمذی، ج ۴، ص ۳۶۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۱۵۲ و خلال، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۶۰).

بی‌تردید اگر اقلیت‌های اسلامی موفق به ایجاد روابط فرهنگی ثمربخش با جامعه‌هایی که در آن زندگی می‌کنند بشوند و با آنها هم‌زیستی داشته باشند، در آن صورت، برای خود و دین خود منافع زیادی به دست خواهند آورد؛ از جمله تقویت روابط انسانی با آن جوامع، که می‌تواند حضور اسلامی را در کشورهای غیر اسلامی تحکیم بخشد و به انعکاس چهره واقعی اسلام کمک نماید و تصویرهای نادرستی را که در آن جوامع نسبت به اسلام به وجود آمده است، تصحیح نماید. هم‌چنین این روابط به عنوان یک تبلیغ باز برای رسالت اسلامی به همه جهان با زبان گویا و منطقی قانع‌کننده و روشی جذاب، بی آن که به گوهر عقیده و یا به اصلی از اصول دین مبین اسلام آسیب برساند، خواهد بود. انجام همه این تلاش‌های شایسته به تعامل نیکو و فهم صحیح نیازهای فرهنگی در مسیرهای متعدد آن نیاز دارد و بار سنگین مسئولیت در این قسمت بر عهده سازمان‌های جهان اسلام و نهادهای تبلیغی آن و مربوط به مسایل فرهنگی خواهد بود؛ زیرا اقلیت‌های اسلامی نیاز شدیدی به

پشتیبانی آن نهادها دارند و باید از خدمات تربیتی و علمی و فرهنگی آنها برخوردار شوند؛ چون موفقیت اقلیت‌های اسلامی مستلزم حمایت از هویت و محافظت از عقیده آنان است و سرانجام این حمایت در جهت خدمت به منافع عالی امت اسلامی خواهد بود.

### محور دوم: گونه‌های چالش‌های فرهنگی اقلیت‌های اسلامی

کسانی که اوضاع اقلیت‌ها و به خصوص اقلیت‌های اسلامی را دنبال می‌کنند می‌دانند این اقلیت‌ها که با آن روبه‌رو شده‌اند، شامل همه جنبه‌های زندگیشان گردیده است. اعمال تبعیض و فشار علیه اعراب و مسلمانان در ایالات متحده آمریکا، تجاوز، قتل، ضرب و شتم، از بین بردن اموال و دارایی‌ها و ویرانی و تخریب منازل و مکان‌های مذهبی، آموزشی و تجاری آنها از جمله این مشکلات می‌باشد. اعمال این رفتارها علاوه بر ارایه مقالات و مصاحبه‌هایی است که با هدف بدنام کردن و مشوه جلوه دادن اسلام و مسلمانان [ صورت می‌گیرد ] و همه روزه در رسانه‌های صوتی و تصویری و نوشتاری آنها پخش می‌شود. مهم‌ترین چالش‌ها را می‌توان به قرار زیر یادآور شد:

#### تهاجم به مساجد و تبعید امامان مساجد

عناصر افراطی در حمله به مساجد، آنها را به آتش کشیده و یا منفجر می‌کنند، همان‌گونه که تاکنون این عمل در هلند و جاهای دیگر انجام گرفته است و نزدیک به پانزده مسجد و مدرسه مورد تهاجم قرار گرفته است. این اقدامات تنها به عناصر افراطی هلندی محدود نمی‌شود، بلکه دولت این کشور مجموعه اقداماتی را در این راستا انجام داده است که زیان‌هایی به منافع و دستاوردهای اقلیت‌های مسلمانان وارد خواهد کرد و این اقدامات همانند تهاجم آمریکا علیه مسلمانان آن کشور در پی انفجارهای ۱۱ سپتامبر است.

مهم‌ترین این اقدام‌ها، اخراج امامان و واعظان مساجد به اتهام عضویت داشتن در گروه‌هایی افراطی و وادار کردن مردم به خشونت است. شمار دیگری از کشورهای غربی نیز طرح‌هایی برای جلوگیری از ورود مبلغان عرب و مسلمانان از خارج به کشورشان تدارک دیده‌اند و از مسلمانان اروپا خواسته‌اند با آموزش مبلغان دینی و امامان در دانشگاه‌های اروپا، خود برای سرپرستی دینی این مسلمانان اقدام نمایند. برای مثال، به مسلمانان هلند چهار سال مهلت داده‌اند این امامان را آموزش دهند تا پس از آن پیشوایان و امامان جماعت عرب را از کشورشان اخراج کنند.

وزیران کشور و دادگستری هلند اعلام کرده‌اند که در صدد بررسی محاکمه پیشوایان روحانی مسلمان که مردم را به نفرت و جهاد وادار می‌کنند، می‌باشند. استاندار لاهه گفته است در نظر دارد از نفوذ خود جهت [جلوگیری از اقدامات این مسئولین] که چنین گفته‌هایی را مطرح نموده‌اند، استفاده کند. وی همچنین اظهار داشته که در واقع احترام قایل شدن به آزادی عقیده که در کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی وجود دارد، با وجود این وضع پلیسی خطرناک بی‌معنا است.

برخی از کشورهای اروپایی نیز تصمیم گرفته‌اند بودجه دستگاه‌های اطلاعاتی خود را به منظور تشدید کنترل اقلیت‌های مسلمان و [نظارت] بر فعالیت‌های مساجد و درس‌هایی که در آنها داده می‌شود، از جمله خطبه‌های نمازهای جمعه، به بهانه این که برخی از ائمه جمعه به تبلیغ خشونت، تروریسم و نفرت به غیر مسلمانان می‌پردازند، افزایش دهند. (عرفه، سایت [www.islamonline.net](http://www.islamonline.net)).

در لندن طرفداران مجموعه «جبهه ملی» راست‌گرای افراطی انگلیس، در روز جمعه ۹ آوریل سال ۲۰۰۴م، در برابر یکی از مساجد لندن، پایتخت انگلیس، تظاهرات کردند و خواستار بستن مساجد در انگلیس شده و شعارهایی علیه اسلام سر دادند.

کشورهای سوئیس و دانمارک نیز قوانینی به تصویب رسانده‌اند که به موجب آن از ورود امامان به مساجد جلوگیری شود و هم‌اکنون سخن درباره لزوم کنترل مکان‌های عبادی در حال بررسی است و سازمان‌های بزرگ مسیحی خواستار ایجاد یک آموزشگاه تخصصی برای آموزش و تربیت امامان مساجد شده‌اند که این آموزشگاه باید زیر نظر مسئولان آموزشی که بر آموزش و تربیت آنها نظارت نموده و توان تعامل با زندگی غربی لیبرال را داشته باشند، فعالیت کند.

وزارت کشور فرانسه نیز کمیته‌ای از کارشناسان تشکیل داده است تا طرحی برای تأسیس یک آموزشگاه ویژه امامان مساجد تهیه نمایند، که هدف از آن، مقابله با نفوذ امامانی که آنها را متعصب خوانده است، می‌باشد و این اقدام در پی انفجارهای «مارس سال ۲۰۰۴» که مسلمانان مغرب به شرکت در آن متهم شده‌اند، صورت گرفته است.

ایتالیا نیز همین کار را انجام داده است. به‌ویژه، این کشور یک دبیر الجزایری را به اتهام عضویت در یک گروه تروریستی اخراج کرد. وی در پی پیش‌نمازی نمازگزاران در یکی از مساجد و طلب آموزش برای شهید شیخ احمد یاسین بنیان‌گذار جنبش مقاومت اسلامی حماس، که اسرائیل او را در سال ۲۰۰۴م ترور کرد، از ایتالیا اخراج شد.

مسئله قابل توجه این است که این موارد تبعید در پی تبلیغات رسانه‌های غربی به بهانه مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی و تأثیر آن بر دستگاه‌های دولتی برای دست زدن به اقدام‌هایی علیه مسلمانان،



نظیر دعوت به اخراج امامان مساجد و واعظان و خطیبان به بهانه عضویت داشتن در گروه‌های افراطی و داشتن فعالیت‌های مشکوک، صورت گرفته است. همه روزه دستگاه‌های مهاجرت تصمیم به تبعید و اخراج تنی چند از امامان و خطیبان اقلیت‌های مسلمان به اتهام تحریک به اعمال خشونت می‌گیرند و به نظر می‌رسد تمرکز آنها بر روی پیش‌نمازان روحانی مسلمان مربوط به این تصور است که واعظان و پیشوایان مسلمان سعی می‌کنند مسلمانان اروپا را به عقیده و آموزه‌های دینی خود ارتباط دهند، که چنین کاری مانع از اجرای طرح‌های دولت‌مردان آنها برای ادغام آنان در فرهنگ و زندگی لائیک اروپایی می‌شود.

### مسئله مدارس اسلامی

بحث از مدارس اسلامی، در مورد ساختمان‌ها و یا دارایی‌های این مدارس نیست، بلکه بحث در برنامه‌ها و آموزگاران آنان است، زیرا این مدارس توسط یک جمعیت و یا یک مرکز احداث می‌شوند و به آموزش قرآن کریم و علوم شرعی اقدام می‌نمایند و روابط خانواده را حفظ می‌کنند و یا این‌که مدارس اسلامی خصوصی است که شورای مدیریتی بر روی آنها نظارت دارد و صاحبان آنها مسئولیت آنها را به عهده می‌گیرند و چنان‌چه از کمک دولت برخوردار شوند، برای ارایه چنین کمکی ضوابطی وجود دارد که باید به آن متعهد شوند. مشکل واقعی در مدارس اسلامی مربوط به برنامه‌های آموزشی آنها است که تا کنون مسلمانان در اروپا نسبت به تعیین برنامه‌ای واحد برای تدریس آن در مدارس ابتدایی به توافق نرسیده‌اند و حتی در یک کشور اروپایی نیز برنامه‌های درسی و دینی گوناگونی در مدارس آنها وجود دارد. تلاش‌های زیادی برای برقراری برنامه‌های آموزشی اسلامی واحدی در جوامع اسلامی غرب انجام گرفته است که در جلسات مربوط به بررسی این مطلب، کارشناسان و متخصصان پرورشی و فرهنگستان‌ها و مبلغان شرکت کرده‌اند و تا کنون بیش از یک برنامه به تصویب رسیده و مورد توافق قرار گرفته است، ولی باید به اجرا گذاشته شود و از سوی اتحادیه اسلامی اروپا و سازمان‌ها و جمعیت‌های اسلامی به تصویب برسد.

مشکل دوم که بر وضع مدارس اسلامی در اروپا تأثیر می‌گذارد، یک مشکل مزمن و همیشگی است. در گذشته برای آموزش علوم شرعی از امام جماعت و یا شیخ مسجد استفاده می‌شد و یا این‌که برای این منظور استادان و معلمانی از کشورهای اسلامی به این کشورها فراخوانده می‌شدند، ولی اشکال هم‌چنان به حال خود باقی می‌ماند و آن این‌که استادان و معلمان فراخوانده شده، از طرز تفکر

مسلمانان اروپا یا طرز تفکر نسل جدید آگاهی ندارند و نمی‌توانند با آنها بجوشند که این مسئله به دسترسی به معلمانی از همان محیط نیاز دارد تا امکان جوشش و ارتباط میان استادان و دانش آموزان فراهم شود.

## الغای فتوهای ضد و نقیض

فتوهای کشورهای غیر اسلامی و برای اقلیت‌های مسلمان از مسایل خطیر و مهم به‌شمار می‌روند و برای مسلمانان مقیم در کشورهای غیر اسلامی مشکل بزرگی را به وجود می‌آورند؛ زیرا در مورد اوضاع جدید و مفاهیم اجتهادی و فقهی اسلامی، فتوهای متعدد و آرای ضد و نقیضی وجود دارد.

از اشکال‌های مربوط به موضوع فتوهای فقهی آن است که هر اقلیتی به علمای کشور اصلی خود متوسل می‌شوند؛ الجزایری‌ها از الجزایر، مصری‌ها از مصر، سوری‌ها از سوریه، عراقی‌ها از عراق و...؛ و حتی در مورد آغاز روزه ماه مبارک رمضان و تعیین عید مبارک فطر اختلاف قومی و کشوری و مذهبی میان اقلیت‌های مسلمان تشدید می‌یابد. ولی اقدام اتحادیه اسلامی اروپا برای پایه‌گذاری شورای افتا که در آن مبلغان، علما و فقهای از اروپا عضویت دارند و از علمای از جهان اسلام کمک می‌گیرند، راه‌حل بزرگی برای این مشکل وضع کرده است. اقدام این شورا در حل و فصل بسیاری از مسایل مورد توجه مسلمانان اروپایی، که تجربه فقهی مسلمانان در غرب با پیروی از یک فقه ویژه - یعنی فقه اقلیت‌ها - است و در آن شرایط جامعه اقلیت‌های اسلامی مد نظر قرار گرفته است، کارساز بوده و یکی از راه‌حل‌های موفق به شمار می‌رود و امیدواریم مورد حمایت قرار گیرد تا بتواند روند افتای فقه‌های مسلمانان را در کشورهای غیر اسلامی ادامه دهد.

از مشکلاتی که در این مورد مطرح می‌شود مشکل مربوط به فتوهای اقلیت‌های مسلمان را از مشارکت سیاسی منع می‌کند؛ این فتوهای مسلمانان موجود در غرب را از مشارکت سیاسی و از حقشان در انتخاب و یا کاندیدا شدن در انتخابات تحریم می‌نماید و اقلیت‌ها بهای چنین فتوهای را پرداخته‌اند و در عمل، در انزوا و حاشیه زندگی سیاسی قرار گرفته‌اند؛ زیرا اکنون نزدیک به ۳۰ میلیون نفر مسلمان در غرب وجود دارد که می‌توانند مسایل خود را جهت اجرا مطرح کنند و نمایندگان خود را به شوراهای شهرداری و یا نمایندگی معرفی کنند و از هم‌دردی و حمایت بسیاری از اروپایی‌ها برخوردار شوند، ولی این انزوا مسلمانان را در حاشیه قرار داده است و چنانچه ارزش رأی انتخابی را در نظر بگیریم، این مسلمانان هیچ نقشی در زندگی حزبی و سیاسی ندارند.

## پیوستن و ذوب شدن در جوامع غربی

از مسایلی که اقلیت‌های اسلامی را ناکام کرده و اندیشه آنها را به خود مشغول کرده است و در این مورد اختلاف نظر وجود دارد، موضوع پیوستن و ذوب شدن اقلیت‌های اسلامی در جوامع غربی است که در آن زندگی می‌کنند. بسیاری از آنها معتقدند شهروند غربی شده‌اند و در آن جامعه‌ها دارای حقوقی هستند و کسی نمی‌تواند این حقوق آنها را سلب کند و دعوت‌هایی که از این‌جا و آن‌جا مبنی بر بازگشت مسلمانان موجود در اروپا به کشورهای اسلامی خود عنوان می‌شود، دعوت‌هایی نامعقول است که مطلقاً پذیرفته نیست. از این‌رو آنها خواستار ادغام شدن مثبت خود در نهادهای جامعه مدنی کشورهای غربی، به معنای برخورداری از همه حقوق خود و پای‌بندی به همه مسؤولیت‌ها و تبدیل شدن به یک شهروند فعال در جامعه محل زندگی، ضمن پای‌بندی به دین و عقیده خود و دارا بودن حق اعمال شعایر عبادی خود، شده‌اند. ولی خطر موجود مربوط به دعوت‌های افراطی و نژادی است که خواستار ذوب شدن اقلیت‌های مسلمان در جامعه‌های غربی با صرف نظر نمودن از مسایل شرعی و ارزش‌ها و اخلاق اسلامی است.

## محور سوم: پیشنهادها و راه‌حل‌ها

ما تلاش خواهیم کرد برخی از راه‌حل‌ها و درمان‌های مناسب را جهت کاهش مشکلات گریبان‌گیر اقلیت‌های اسلامی و ایستادگی در برابر آن چالش‌های فرهنگی ارایه دهیم، که از آن جمله است:

### ۱- حمایت از مساجد و محافظت از آنها

این حمایت و محافظت از راه فعالیت نهادی بر پایه قوانین و مقررات کشورهای میزبان انجام می‌گیرد؛ به گونه‌ای که آن تشکّل یا مرکز و یا مسجد به نام جمعیت، شکل گرفته و طبق قوانین موجود ثبت شود تا به این وسیله فعالیت‌های داوطلبانه فردی به فعالیت نهادی تبدیل شود و با ایجاد شک و تردید نسبت به مالکیت این مساجد، از تجاوز متجاوزان به آن جلوگیری شود. ما هم‌چنین پیشنهاد می‌کنیم در کشورهای اسلامی و یا در کشورهایی که اقلیت‌های اسلامی در آنها وجود دارد، موقوفاتی در نظر گرفته شود تا درآمد حاصل از آن صرف نیازهای اقلیت‌های اسلامی از قبیل احداث و نگهداری مساجد و مدارس و یا بیمارستان‌ها و غیره شود.

### ۲- توجه به مدارس اسلامی

مدارس اسلامی به عنوان پایگاه‌هایی برای پاسداری از فرهنگ اسلامی مسلمانان در همه جهان و به ویژه برای اقلیت‌های اسلامی به شمار می‌روند. این مدارس نقش عمده‌ای در ایستادگی در برابر

دعوت‌های مغرضانه علیه اسلام و پایه‌های اصلی آن و تثبیت دین و عقیده مسلمانان دارند. یک کشیش اتریشی که از سوی پاپ واتیکان به وی مأموریت مسیحی کردن مسلمانان بوسنی داده شده بود، در پی ده سال فعالیت در بوسنی در این مورد به پاپ نوشت: «من نمی‌توانم این کار را انجام دهم، چون مدارس اسلامی به مسلمانان مصونیت می‌بخشد و هر جای بوسنی که مدرسه اسلامی وجود دارد، من نمی‌توانم کاری در این مورد انجام دهم». (مدارس القرآن فی البوسنه، سایت: [www.islamwed.net](http://www.islamwed.net)، محور اقلیات و قضایا). از این رو مدارس اسلامی واقعاً نگرهبان اسلام و فرهنگ اسلامی هستند.

مهم‌ترین چیزی که باید در این مدارس بر آن تأکید کرد، آموزش قرآن کریم است؛ زیرا قرآن کریم سرلوحه زمینه‌های آموزشی مذهبی است که برای مسلمانان مصونیت درونی ایجاد می‌کند. توجه به برنامه‌های قرآنی در زمینه‌های قرائت، درک معانی و تفسیر در آغاز با روش‌های سنتی آموزش در مساجد، مراکز اسلامی، منازل شخصی و یا آموزشگاه‌ها انجام می‌گرفت.

این مدارس با اقدام سازمان‌های اسلامی به افزایش فراخوانی معلمان و دبیران به این کشور، جهت تدریس علوم اسلامی، هم‌زمان با افزایش جمعیت آن اقلیت‌ها و نیازشان به فهم احکام این دین، پشتیبانی می‌شوند. هم‌چنین این مدارس با تربیت آموزگاران و دبیران از همان کشورهای که اقلیت مسلمان در آن ساکن‌اند، حمایت می‌شوند و کمک‌های مالی نیز به این مدارس ارایه می‌شود؛ چون با وجود فقر اقتصادی و دیگر مسایل، افراد کمی به سراغ آموزش شرعی در این مدارس می‌روند.

هم‌چنین می‌توان این مدارس را با فراهم نمودن یک پرسنل آموزشی توانا برای تدریس زبان عربی و نشر آن میان اقلیت‌های اسلامی تقویت نمود؛ چون فرهنگ هر مسلمان بر منابع فرهنگی اسلامی و در رأس آن قرآن کریم و سنت، استوار است که کلید این منابع تسلط به زبان عربی است و وجود این مشکل موجب ناتوانی واقعی از فهم و درک اسلام می‌گردد.

عدم آشنایی با زبان عربی و اختلاف موجود میان زبان اقلیت اسلامی و زبان قرآن کریم باعث ایجاد خلأ بزرگی در هویت فرهنگی این اقلیت‌ها می‌گردد، و حتی ممکن است موجب ایجاد روش ویژه‌ای از اندیشه به هنگام جست‌وجوی منافع فرهنگی اندیشه اسلامی گردد که این مسئله خود سبب بروز مشکل بزرگ‌تری برای عقیده این گروه‌های مسلمان و حتی برای آنهایی که در اصل عرب زبان هستند و یا [افراد] شرقی هستند که با زبان عرب آشنایی دارند، می‌گردد؛ زیرا آنها به مرور زمان رابطه خود را با زبان عربی از دست می‌دهند و به ویژه این مسئله برای نسل‌های دوم و سوم آنها وجود دارد و موجب ذوب شدنشان در اندیشه ایجاد شده از زبان

خارجی جدید می‌شود و این یک حالت پنهان و پیچیده از حالت‌های فقدان تدریجی هویت مسلمانان است.

### ۳- جذب فرزندان اقلیت‌ها در دانشگاه‌های اسلامی

به منظور ایجاد توانایی علمی و شرعی در میان اقلیت‌های اسلامی لازم است که فرزندان آنها در دانشگاه‌های عربی و اسلامی جهت آموزش علمی و فرهنگی پذیرفته شوند تا پس از فارغ‌التحصیلی، به مبلغان و معلمان برای مردم خود تبدیل شوند و نسبت به حفظ مساجد و مدارس و آموزش نسل‌های آینده خود ایفای نقش کنند.

در این مورد باید دیدار فرزندان اقلیت‌ها از کشورهای اسلامی را به منظور تعمیق عضویتشان در کشورهای اسلامی و انجام رسالت تمدن خویش تسهیل کرد و طرحی برای پذیرش فرزندان پسر و یا دختر نخبه اقلیت‌های مسلمان ارایه داد. دعوت کردن از سازمان‌ها و دانشگاه‌ها جهت سازمان‌دهی بورسیه تحصیلی برای آنان و برگزاری سمینارهای علمی و فرهنگی جهت بررسی مشکلات فقهی و اندیشه‌ای آنها از دیگر طرح‌ها در این مورد می‌باشد.

### ۴- ایجاد برنامه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغی برای اقلیت‌های اسلامی

دستگاه‌های اطلاع‌رسانی کشورهای اسلامی نقش عمده‌ای در این مورد باید ایفا کنند و شبکه‌های ماهواره‌ای، تلویزیونی و رادیوهای این کشورها می‌توانند وقت‌هایی را به پخش برنامه‌های آموزشی برای اقلیت‌های مسلمان اختصاص دهند.

راه‌های دیگری که در زمینه آموزشی و تربیتی وجود دارد، این است که این دستگاه‌ها در کشورهای اسلامی اقدام به تهیه و چاپ برنامه‌های آموزشی دینی بنمایند و آن را برای مراکز و جمعیت‌ها و مدارس اقلیت‌های مسلمان جهت استفاده از آن، ارسال نمایند و نیز با ارسال محصولات فرهنگی و اطلاع‌رسانی اسلامی برای این اقلیت‌ها، می‌توان آنها را در این زمینه با کتاب‌های آموزشی و یا عمومی و مجلات و نوارهای سمعی و بصری و غیره و به ویژه برنامه‌های ویژه اقلیت‌های مسلمان در غرب پشتیبانی کرد و نیز می‌توان رادیوها و ایستگاه‌های تلویزیونی و آژانس‌های خبری و نهادهای هنری و سینمایی ویژه اقلیت‌ها دایر نمود و برای پر کردن وقت خالی احتمالی در این زمینه می‌توان از امکانات اطلاع‌رسانی و فنی فرزندان اقلیت‌ها استفاده نمود.

(تسخیری، رسالة التقریب، شماره ۲).

یکی دیگر از کارهایی که کشورهای اسلامی باید انجام دهند، اقدام این کشورها به هماهنگی تلاش‌ها جهت فراهم کردن پرسنل‌های توان‌مند برای انجام تبلیغ اسلامی در میان اقلیت‌های اسلامی است که این نیرو باید در برگیرنده عناصر زن توان‌مند باشد. همچنین تهیه زنجیره‌ای از کتاب‌های آموزشی به هم پیوسته پیرامون دین مبین اسلام و شعایر و اصول آن به شکل ساده و در قالب مطبوعات و نامه‌های نوین سمعی و بصری و توجه ویژه به ترجمه آن به شکل دقیق و به زبان‌های مناطق محل زندگی اقلیت‌ها، باید مد نظر قرار گیرد.

### ۵- توجه به فقه اقلیت‌ها

بیشتر اقلیت‌های مسلمان موجود در غرب با انگیزه طلب روزی و یا امنیت و یا طلب علم و یا در جهت جست‌وجوی شرایط مناسب برای تحقیق و مطالعه علمی مهاجرت کرده‌اند. از این رو این حضور به‌طور کلی یک حضور نیازی است و نه حضور اختیاری. این بخش بزرگ، با یک فرهنگ غربی مغایر، و بلکه در برخی جنبه‌های مهم، متناقض با فرهنگ خود، روبه‌رو است که این موضوع، اقلیت‌ها را نیازمند به فقهی ویژه متناسب با شرایط جدیدی که این مردم با آن روبه‌رو شده‌اند، می‌کند. از این‌رو شمار زیادی از فقهای معاصر به این بخش توجه نموده و مجموعه خوبی از احکام فقهی را برای اقلیت‌های اسلامی استنباط نموده‌اند. شیخ یوسف قرضاوی تا کنون نقش بزرگی در این مورد ایفا کرده است. وی مجموعه‌ای از قواعد فقهی نظیر قاعده «مآلات و هدف‌های افعال»، قاعده «ضرورت‌ها، محظورات را توجیه می‌نماید» و قواعد «موازنه منافع و مفسد» را در نظر گرفته است. ولی نیاز هم‌چنان وجود دارد و فقه اقلیت‌ها به [ وجود ] مردانی که در این [ نوع ] از فقه اسلامی تخصص داشته باشند، نیاز دارد. این فقه هم‌چنین باید به احیای وقف اسلامی در غرب بپردازد، که عدم توجه به آن، اقلیت‌ها را در معرض خطر بزرگی قرار می‌دهد. پیروان ادیان دیگر نیز تلاش‌هایی در این مورد برای خدمت به منافعشان انجام می‌دهند.

در واقع اقلیت‌های مسلمان نیازمند حمایت نهادهای اسلامی و عربی و تشکیل نهادهای سیاسی، حقوقی و اطلاع‌رسانی‌اند تا بتوانند خلأ موجود در این مورد را پر کرده و از دین خود به صورت شایسته‌ای دفاع نمایند. در این چارچوب، اهمیت هماهنگی میان نهادها مخفی نیست؛ چون با این هماهنگی و اشتراک مساعی می‌توان هدف‌ها و خط‌مشی‌های کلی کار را در مقابله با چالش‌های همیشگی ترسیم نموده و جامه عمل پوشاند.

در این‌جا لازم است گفته شود که سیاست خشکاندن منابع و ترساندن مردم از مشارکت در

حمایت مادی و معنوی از نهادهای اسلامی و عربی به بهانه مشکوک بودن این سازمان‌ها به حمایت از تروریسم، منجر به نقص موقتی در منابع انسانی و مادی ناشی از آن می‌شود. ولی واقعیت این است که حمایت مردم مسلمان از این سازمان‌ها و به ویژه از سازمان‌های فعال، نشان‌گر آگاهی اقلیت مسلمان و عرب از اهمیت نقش این سازمان‌ها در زدودن فشار و ستم و درخواست حقوق بر اساس قانون و مقررات موجود، است.

سرانجام، وحدت مردم مسلمان و کنار گذاشتن اختلاف‌های مذهبی، یکی از مهم‌ترین فرایض به‌شمار می‌رود که این روزها باید بر آن تأکید نمود؛ زیرا مشاهده می‌شود تعامل اتباع مذاهب و گروه‌های اسلامی موجود در کشورهای اسلامی و یا در کشورهایی که اقلیت‌ها در آن زندگی می‌کنند، با یک‌دیگر، یک تعامل منفی است که چنین چیزی بدون تردید شانه خالی کردن از وظیفه به شمار آمده و مشکل را حل نمی‌کند و هدفی را تحقق نمی‌بخشد. از این رو ما دعوت خالصانه خود را متوجه هر مسلمانی با هر مذهبی و پیرو هر مکتب فقهی، می‌نماییم که خود را برای انجام گفت‌وگو و بحث و مناظره با دیگر طرف‌ها آماده کند؛ زیرا اختلاف نظر، فاسدکننده اصل قضیه نخواهد بود و کسی که نتواند با خود گفت‌وگو کند، نمی‌تواند با دیگران گفت‌وگو نماید.

اندیشه اسلامی نسبت به دیگر اندیشه‌ها تمایز و برتری دارد؛ زیرا این اندیشه، ابزار فعالی برای زدودن آثار نامطلوب انقلاب علمی و تکنولوژی معاصر دارد و گروه‌های اسلامی به جای پرداختن به اختلاف‌ها و کشمکش‌هایی که موجب مصیبت برای خود آنها می‌شود، باید توجه مردم را به این برتری جلب نمایند. از این رو مذاهب اسلامی باید حقیقت جهانی شدن را همان‌گونه که اسلام آن را می‌فهمد، مشخص نمایند، به گونه‌ای که جانب‌داری از ملی‌گرایی، منطقه‌گرایی، قومیت‌گرایی و مذهب‌گرایی نتواند در برابر اجرای حکم شرعی با آن فرمول جهانی خود مانع ایجاد نماید، به‌ویژه این‌که جهان امروز با توجه به انقلاب‌های علمی و تکنولوژی موجود در مورد تبادل اطلاعات و تحول در ارتباطات، به یک دهکده کوچک تبدیل شده است.

### منابع و مأخذ:

- ۱- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ج ۴.
- ۲- تسخیری، محمدعلی، «الاقلیات المسلمه فی الغرب»، مجله رساله التقرب، شماره ۲.
- ۳- تویجری، عبدالعزیز بن عثمان، الحوار من اجل التعایش، دار الشروق، قاهره، چاپ اول،

۱۹۹۸م.

٤- خلال، احمد بن محمد بن هارون بن يزيد، السنة للخلال، دار الرايه، رياض، چاپ اول، ج ٢، ١٤١٠.

٥- سايت: www.Islamwed.net، مدارس القرآن فى البوسنه، محور اقليات و قضايا.

٦- طبرانى، سليمان بن احمد بن ايوب، معجم كبير طبرانى، مكتبة العلوم و احلم، موصل، چاپ دوم، ج ٩، ١٤٠٤.

٧- عرفه، محمد جمال، العداء المستر لمسلمى اروبا يتكشف فى ٢٠٠٤، سايت اسلام آن لاين www.Islamonline.net، محور امور سياسى - اروبا و امريكاى شمالي.

٨- العداء المستر لمسلمى اروبا يتكشف فى ٢٠٠٤، سايت www.Islamonline.net، محور امور سياسى - اروبا و امريكاى شمالي.

